

شرح رساله الحقوق

بحث در اولین حق زبان یعنی حفظ زبان و گرامی داشتن زبان از بدگویی و بدزبانی بود. گفتیم بدگویی و بدزبانی مصادیق مختلف دارد؛ ما به برخی از مهم‌ترین مصادیق آن اشاره می‌کنیم. اولین آن غیبت بود؛ درباره حقیقت غیبت و چهره واقعی و باطنی غیبت مطالبی را گفتیم. بحث درباره غیبت خیلی زیاد است و واقعاً از چیزهایی است که اگر بخواهیم ده‌ها جلسه درباره غیبت از زوایای مختلف بحث کنیم، امکانش هست. اینکه ریشه و منشأ غیبت چیست؛ اینکه چه گناهان دیگری از غیبت ناشی می‌شود؛ اینها بحث‌های زیادی دارد. من اجمالاً فقط به یک بحث مهم اشاره می‌کنم و رد می‌شوم؛ آن هم آثار دنیوی و اخروی غیبت است، که این می‌تواند خیلی مؤثر باشد.

آثار دنیوی و اخروی غیبت

آثار مهمی بر غیبت مترتب است و تبعات سنگینی در مورد غیبت ذکر کرده‌اند، هم در دنیا و هم در آخرت. در دنیا این آثار تارة فردی است و اخروی اجتماعی. آثار فردی غیبت در دنیا، منظور آثار مادی نیست؛ آثار دنیوی، می‌تواند آثار معنوی در دنیا باشد که البته عواقبش در برزخ و آخرت روشن می‌شود. براساس روایات، چندین اثر برای غیبت ذکر شده است؛ من چند اثر را ذکر می‌کنم و هر کدام را برایش یک روایت می‌خوانم و عبور می‌کنم.

الف) آثار دنیوی

۱. آثار فردی

اثر اول: ادنی الکفر

غیبت باعث می‌شود انسان به نوعی در پایین‌ترین مرتبه کفر قرار گیرد. اینکه غیبت انسان را در حد بسیار رقیقی از کفر قرار می‌دهد؛ بالاخره این آثاری است که اگر به این آثار دقت کنیم می‌فهمیم چه خبر است. روایت از پیامبر گرامی اسلام (ص) است که می‌فرماید: «أَدْنَى الْكُفْرِ أَنْ يَسْمَعَ الرَّجُلُ مِنْ أَخِيهِ الْكَلِمَةَ فَيَحْفَظُهَا عَلَيْهِ يُرِيدُ أَنْ يَفْضَحَهُ بِهَا أَوْ لِيَكَّ لَا خَلَقَ لَهُمْ»^۱ می‌فرماید ادنی الکفر این است که شخصی از برادر خود یک مطلبی و کلمه‌ای را بشنود و آن را نگه دارد و حفظ کند و بخواهد به واسطه آن کلمه او را رسوا و مفتضح کند، این آدم‌ها هیچ نصیب و بهره‌ای ندارند. یک چیزی را می‌شنود، حالا به هر دلیلی او گفته و پیش این شخص یک حرفی زده، این را نگه دارد و به همین منظور این سخن را پیش خودش نگه دارد تا یک روزی این را علم کند تا او را رسوا کند. اینکه کسی یک کلمه‌ای را بشنود، بعد آن را پخش کند تا او را رسوا کند، یکی از مصادیق غیبت است. یک چیزی را گفته و خوش نداشته این مطرح شود، یک حرف بد و زشتی زده یا چیزی که نباید می‌گفته، این را شنیده و این را بعداً بیان کند؛ این یک شکل از غیبت است که از آن تعبیر می‌کنند به ادنی الکفر. درست است اینجا به صراحت کلمه غیبت نیامده که غیبت‌کننده کافر است، ولی اینکه از یک زاویه‌ای این کار به عنوان ادنی الکفر معرفی شده، یعنی یک اثر مهم فردی غیبت در دنیا این است که انسان را به دایره کفر نزدیک می‌کند. اینکه تخم مرغ دزد، شتر مرغ دزد می‌شود؛ کسی که این کار را بکند، هیچ بعید نیست سر از کفر در بیاورد؛ ممکن است کفر آشکار نباشد. یعنی یک کفر باطنی خطرناکی گریبان او را بگیرد؛ یعنی دلش از ایمان و توحید تهی باشد.

اثر دوم: دخول در ولایت شیطان

۱. کشف الریبه، ص ۹۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۱۱، باب ۴۹.

اما اثر دوم در دنیا این است که انسان را از ولایت خدا خارج می‌کند و داخل در ولایت شیطان می‌کند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «مَنْ اغْتَابَهُ بِمَا فِيهِ فَهُوَ خَارِجٌ مِنْ وِلَايَةِ اللَّهِ دَاخِلٌ فِي وِلَايَةِ الشَّيْطَانِ»^۲. خیلی عجیب است! چیزی که در کسی وجود دارد، کسی بیاید این را نقل کند و او خوشش نیاید، این از دایره ولایت خدا خارج می‌شود و در ولایت شیطان داخل می‌شود. آن وقت ببینید کسی که از ولایت خدا خارج شود، این چه امیدی به نجات دارد؟ این چه انتظاری از عنایت و لطف خداوند دارد که در دنیا مشمول این عنایات واقع شود؟ اصلاً بدترین مجازات و اثر برای غیبت همین است که انسان را از ولایت خدا خارج می‌کند و داخل در ولایت شیطان می‌کند. این خروج از ولایت الهی یعنی نابودی انسان.

اثر سوم: محاربه با خدا

اثر سوم، محاربه با خدا است. البته می‌تواند هر کدام از اینها ناظر به یک مرتبه از غیبت باشد و مطلق غیبت نباشد؛ ولی بالاخره عنوان غیبت در اینجا محقق است و تفکیک نشده که غیبت شونده چه کسی باشد. اینجا البته تعبیر محاربه با خدا برای یک قسم از غیبت ذکر شده که امام باقر (ع) می‌فرماید: «لَمَّا أُسْرِيَ بِالنَّبِيِّ (ص) قَالَ يَا رَبِّ مَا حَالُ الْمُؤْمِنِ عِنْدَكَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ بَارَزَنِي بِالْمُحَارَبَةِ وَأَنَا أُسْرَعُ شَيْءٌ إِلَيَّ نُصْرَةً أَوْلِيَّائِي»^۳. عجیب است این روایات؛ واقعاً اینها را ما یا نمی‌بینیم یا غافل هستیم، یا اینها را از یاد می‌بریم. می‌فرماید: در شب معراج پیامبر (ص) عرض کرد ای پروردگار، حال مؤمن، موقعیت و وضعیت مؤمن نزد تو چگونه است؟ فرمود: یا محمد، کسی که اهانت کند برای من دوستی را و ولی‌ای را، آشکار کرده با من محاربه و دشمنی خودش را؛ کأن اینجا دیگر خداوند می‌فرماید من وسط می‌آیم و من سریع‌تر هستم برای یاری کردن دوستان خودم از هر چیزی. ولی یعنی دوست خدا، ما نمی‌توانیم بگوییم که اینجا فقط امام معصوم (ع) است. ولی خدا، دوست خدا؛ کسی که دوست را و ولی را اهانت کند، محاربه با من کرده است؛ این جایگاه مؤمن نزد خداست. حالا مؤمن هم که الان اینجا ترازو نداریم درجه ایمان را بسنجیم و بگوییم این مؤمن واقعی است و آن مؤمن واقعی نیست. بالاخره آنهایی که به ظاهر حال مؤمن هستند، من بیایم بگویم نه، این مؤمن نیست؛ چه بسا آنهایی که ما فکر می‌کنیم مؤمن هستند فی الواقع ایمانی در قلب آنها نباشد. آنهایی که مؤمن هستند به این عنوان نزد مردم محترم هستند؛ بیایم اهانت کنیم به آنها، آنها را خفیف و خوار کنیم، این هم یک مصداق غیبت است. توهین، البته خودش یک عنوان جداگانه‌ای است؛ عنوان توهین در روایات خودش یک عنوان مستقلی است و حکم دارد، اما قطعاً بخشی از مصادیق اهانت، غیبت است؛ یعنی یکی از مصادیق اهانت، غیبت است. لذا غیبت را قطعاً شامل می‌شود. حداقل بخش اعظم غیبت‌ها را شامل می‌شود. حالا شما حساب کنید کسی غیبت کند، اهانت کند، این می‌شود محارب با خدا؛ اصلاً غیبت کأن محاربه با خداوند است. آن وقت عجیب است که اینقدر این مسأله پیش ما عادی است و قبح آن از بین رفته است. جالب است، ما چیزهایی که این همه با شدت و غلظت درباره آن روایات داریم، آن وقت در فرهنگ و عرف ما اصلاً انگار کأن اهمیت خودش را از دست داده است. ربا محاربه با خدا و رسول (ص) است، اما چقدر برای مردم عادی است. دروغ، غیبت؛ فرض کنید من به عنوان یک روحانی راحت غیبت کنم آن هم در انتظار، این در نظرم کوچک جلوه کند آن وقت از آن طرف در برابر یک سری گناهان مردم که آنها هم مهم است، یک عکس العمل‌های تندی نشان دهم.

۲. امالی شیخ صدوق، ص ۹۱، مجلس ۲۲، ح ۳.

۳. کافی، ج ۲، ص ۳۵۲.

ما باید توجه داشته باشیم مراتب این واجبات و محرمات و اهمیت و اولویت‌ها را توجه کنیم و به همین میزانی که ائمه(ص) حساسیت نشان دادند، ما هم باید حساسیت نشان دهیم. سه اثر دنیوی دیگر باقی مانده که اینها را در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»